عکس: ابوالفضل نسائی/ ایران

دو روایت از پرستاران خصوصی بر بالین بیماران کرونایی

بیرون کشیدن زندگی از دهان مرگ

محمد معصومیان
گزارش نویس

پرستار هستند اما نه پرستار رسمی؛ آنها خصوصی یا به قول خودشان «پرایوت» هستند و در ازای هر شبانه روز ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان می‌گیرند. پرستارانی که خدمات بیشتری به مشتریان خود می‌دهند و مراقبت ویژه‌ای از آنها در بیمارستان می‌کنند. شغلی که پیش از شیوع کرونا هم وجود داشته و بیماران در بیمارستان‌ها از این امکان استفاده می‌کردند اما با پیش آمدن همه‌گیری کووید ۱۹، بازار پردرآمدتری شده است. باوجود این کار هرکسی نیست که به بیمارستان مملو از بیمار برود؛ کار سخت و پرخطر پرستاری از بیماران کرونایی که لابد به حقوقی که می‌گیرند می‌ارزد! اولین بار که تراکتی از این شغل روی دیوارهای شهر دیدم از خودم پرسیدم من برای چه مقدار پول حاضرم یک شبانه روز از بیماری پرستاری کنم، آن هم بدون اینکه شغل رسمی‌ام این باشد و تخصصی در این زمینه داشته باشم؟ می‌خواستم بدانم چطور زندگی می‌کنند و این شغل ترسناک را چطور انتخاب کرده‌اند؟

صدای خفه پرویز از پشت ماسک با صدای بلندگوهای بیمارستان درهم می‌آمیزد. بالای سر بیمار کرونایی در یکی از بیمارستان‌های تهران است. ۴۳ سال سن دارد و بعد از ۸ سال کار در زمینه پخش تراکت، کارت و پوستر در شهر که درآمدی ناچیز داشته به این کار روی آورده است. پیش از آمدن به بیمارستان هم پرستاری از بیماران در منزل را در تجربیات خود دارد. به قول خودش با شیوع کرونا برای خودش شغل درست کرده است.

آن‌طور که می‌گوید ۲۰ سال پیش از یکی از شهرهای اصفهان همراه پدر و مادرش به تهران مهاجرت کرده تا شغلی پیدا کند: «خانه پدر و مادرم در تهران است اما بعد از مشکلاتی که داشتیم من از آنها جدا شدم و تنها در خوابگاه دانشجویی و کارگری زندگی می‌کنم.»

بعد از اینکه پرویز تراکت‌های خودش با مضمون پرستاری از بیماران در بیمارستان را در شهر پخش کرد شرکتی از او خواست باهم همکاری کنند. پیدا کردن مشتری از آنها و کار از او. حالا این اولین بار است که بالای سر یک بیمار کرونایی رفته است. پرویز هنوز ازدواج نکرده و پول خوبی که این کار برای او دارد باعث شده خطرش را هم به جان بخرد: «پول خوبی دارد و می‌خواهم کار کنم و پول جمع کنم که بتوانم ازدواج کنم و بالاخره بچه‌دار بشوم. همه این سال‌ها خیلی کار کردم اما پولی درنمی‌آوردم که بتوانم ازدواج کنم. اما این‌بار تصمیم گرفته‌ام پول جمع کنم و بالاخره سروسامانی به زندگی‌ام بدهم. از تنهایی و زندگی در خوابگاه خسته شده‌ام و دیگر نمی‌خواهم به خانه پدر و مادرم برگردم.» موقعیت عجیبی است که به دل مرگ بروی برای ساختن زندگی.

او که حالا سومین شب حضور خود در بیمارستان را سپری می‌کند معتقد است بیماری و مرگ و زندگی و روزی دست خداست و دیگر ترسی از بیماری ندارد چون برای هدفی بزرگتر که ازدواج است در حال تلاش است: «اینجا پوشک عوض می‌کنم، ملافه عوض می‌کنم، زیرانداز می‌اندازم، می‌شورم و جمع می‌کنم و لباس و روبالشی عوض می‌کنم. پرسنل بیمارستان هم با من خوب هستند چون به آنها هم کمک می‌کنم.» او دیپلم تجربی دارد و منتظر است کرونا تمام بشود تا دوره کوتاه بهیاری را پشت سر بگذارد و در این کار حرفه‌ای‌تر بشود.

یحیی هم پرستار بیماران کرونایی است و تا به امروز دو نوبت از این بیماران را در بیمارستان پرستاری کرده است: «اولی زنده ماند و دومی که ۷۶ ساله بود از دست رفت، ریه‌اش خیلی درگیر شده بود و کاری از دست کسی برنمی‌آمد»؛ ۵۷ ساله است و تاجر ورشکسته فرش در سال‌های دهه ۷۰. همان سال‌هایی که شرکت تعاونی ثبت کرده بود و ۸۰۰ نفر پرسنل برای او کار می‌کردند. او ۶ فرزند داشت که یکی از آنها ۴ سال پیش به رحمت خدا رفت و یحیی ماند و ورشکستگی اقتصادی و دل‌شکستگی: «بعد از اینکه محموله‌ای معادل ۵۰ میلیون تومان فرش را به مقصد کانادا فرستادم در آب‌های امریکا به‌خاطر تحریم‌ها توقیف شد، همه دار و ندارم بر باد رفت. خانه و زندگی را فروختم تا بدهی‌هایم را صاف کنم. بعد هم که فرزندم به رحمت خدا رفت سکته کردم و یک سوم قلبم فلج شد و دیگر نتوانستم کار سنگین بکنم.»

او بعد از ورشکستگی ۱۰ سال آشپز یک شرکت بود و از این راه امرار معاش می‌کرد اما بعد از سکته دیگر توانایی برای کار سنگین نداشت و به فکر پرستاری در منازل افتاد که به نظرش شغلی سبک‌تر می‌آمد: «دوره بهیاری گذراندم و تزریقات یاد گرفتم و الان دو سال و نیم است شغلم این است.»

یحیی که در همه این سال‌ها فرزندانش یکی یکی ازدواج کرده‌اند حالا یک فرزند دانشجو دارد که باید خرج او را بدهد در کنار اجاره خانه و خرج‌هایی که هر روز روی دوش‌های او بیش‌تر سنگینی می‌کند: «خدا نکند آدم آبرودار از بالا پایین بیاید. ما نوه و نتیجه داریم و اینها فشار روی ما می‌آورد و مجبورم این کار را برای پول خوبی که دارد انجام بدهم.»

> با گان و شیلد و ماسک و دستکش وارد بخش می‌شوم. قرص دادن، خالی کردن سوند و غیره را با دستکش انجام می‌دهم و ضدعفونی می‌کنم. یک لحظه هم شیلد و ماسک را از صورتم برنمی‌دارم چون فضا خیلی آلوده است؛ حتی غذا را هم بیرون فضای بخش می‌خورم. خدا را شکر تا حالا نگرفته‌ام و مبتلا نشده‌ام. اما اضطراب هست بخصوص بار اول

یحیی تعریف می‌کند که بار اول که برای پرستاری از یک بیمار کرونایی به بیمارستان می‌رفت حسابی مضطرب بود، قلب ضعیفش در کف دستش می‌تپید اما نمی‌توانست از درآمد خوب این کار بگذرد: «با گان و شیلد و ماسک و دستکش وارد بخش می‌شوم. قرص دادن، خالی کردن سوند و غیره را با دستکش انجام می‌دهم و ضدعفونی می‌کنم. یک لحظه هم شیلد و ماسک را از صورتم برنمی‌دارم چون فضا خیلی آلوده است؛ حتی غذا را هم بیرون فضای بخش می‌خورم. خدا را شکر تا حالا نگرفته‌ام و مبتلا نشده‌ام، اما اضطراب هست بخصوص بار اول.»

می‌پرسم خانواده بعد از برگشتن او از بیمارستان چه حالی داشتند؟ می‌گوید: «با توجه به اینکه پسرم در خانه پدربزرگ با دایی‌اش که همسن خودش هست زندگی می‌کند و در منزل نیست خیلی نگران نبودم. همسرم هم پرستار است و در خانه مردم پرستار بیماران غیرکرونایی است و در خانه نیست. هر هفته ۴ روز شیفت می‌رود. ما خیلی رابطه نداریم و هفته‌ای یک روز همدیگر را می‌بینیم. برای همین خیلی نگران نبودم که خدای نکرده ناقل باشم.»

با صدایی خسته و غمگین از تجربیات و دیده‌هایش در بیمارستان می‌گوید از جوانی ۲۷ ساله که با پای خودش به بیمارستان آمد و سه روز بعد فوت کرد. وقتی از این جوان حرف می‌زند انگار از فرزند از دست رفته خودش حرف می‌زند؛ مثل پدری داغدیده که هر چیزی او را یاد فرزندش می‌اندازد: «آدم وقتی اینها را می‌بیند واقعاً ناراحت می‌شود. پرستاران بیمارستان واقعاً در عذاب هستند. مردم هم رعایت نمی‌کنند. تا کسی به چشم خود نبیند نمی‌فهمد این بیماری چقدر خطرناک است. شما حتماً در روزنامه بنویسید که مردم رعایت کنند.»

تلاش می‌کنند تا زنده بمانند، از جان مایه می‌گذارند تا آبروی خود را حفظ کنند. نه داشتن قلبی نیم‌بند و نه تنهایی در ۴۳ سالگی هیچ کدام باعث نشده از پای بیفتند. هر دو می‌دانند چه شغل ترسناکی انتخاب کرده‌اند اما چاره‌ای دیگر هم نداشتند. برای ساختن زندگی از دل آتش می‌گذرند.

جـــدول سـودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۵۱۴

آسان

۵			۲	۶				
		۴	۷	۹	۵	۲		
	۸				۴	۵		۶
	۷	۵	۴	۱				
	۳	۱				۷	۶	
				۷	۳	۸	۴	
۱		۶	۳				۵	
		۷	۸	۵	۱	۶		
				۲	۹			۷

متوسط

	۲		۹				۵	۳
				۶	۳	۲		
	۸							۱
	۴					۵		۹
	۵		۴	۹	۷		۲	
۹		۳					۴	
۸							۳	
		۱	۶	۲				
۴	۷				۵		۱	

سخت

			۶	۳				
						۸	۳	۷
	۴			۷		۹		۶
		۷		۹	۶			
۵			۱		۷			۸
			۳	۸		۶		
۴		۳		۲			۶	
۶	۹	۲						
				۶	۵			

خیلی سخت

	۴			۵				
			۱		۹	۴		
	۸	۲						۱
	۷		۶			۲	۵	
۸								۷
	۲	۵			۷		۴	
۲						۶	۱	
		۱	۳		۲			
				۴			۷	

حل جدول سودوکو شماره ۳۵۱۴

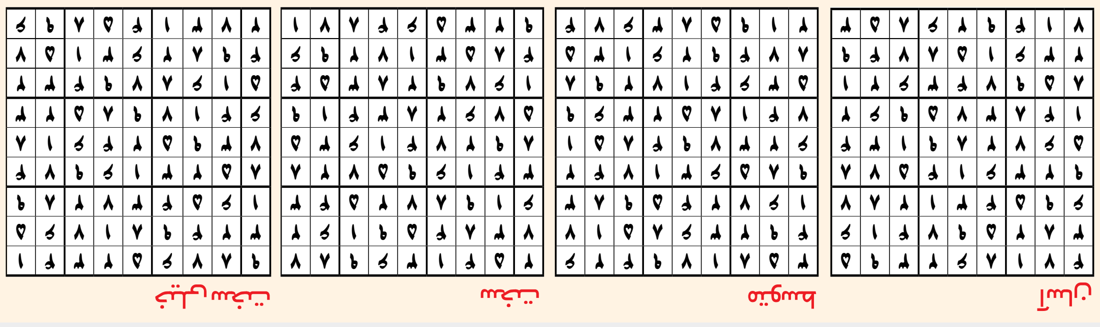

آسان
متوسط
سخت
خیلی سخت

یک جـدول با دو شـرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۴۸۰

جدول عـادی

افقی:

۱-ظلمت‌وسیاهی-حریص
۲-طایفه هند و اروپایی-بریان و اشک ریزان بر آتش-پارچه سبک نخی
۳-اثر «جامی»-رودی در «فرانسه»-جزیره مثلثی
۴-سردوشی-طمع-اصلاح عکس-عنصر خونساز
۵-پسوند برخی آش‌ها-نوعی لباس بچه-اشعه مجهول
۶-امضای تأیید حکم-از انواع تشک-واژه ترساندن
۷-محله‌ای در «تهران»-روستا-زنگ بزرگ کاروان
۸-کاری بیهوده و نامعقول
۹-ترک گروه مجازی-سکه طلای عهد قاجار-نام دیگر «رومال»
۱۰-برابر-نوعی ملاط-میزبان جام ملت‌های آسیا در سال ۲۰۰۰
۱۱-فیلم «رحیم بهبودی‌فر»-یکی از هنرهای ترکیبی-کلام چوپان
۱۲-قایق چوبی-لاله گوش-کله-پرنده‌ای خوش آواز
۱۳-جزیره‌ای در کشور مان-حربه دسته‌دار شبیه به ساطور-نقره‌گون
۱۴-فرمانروایی-قدرت-رقیق
۱۵-ایلخان مغول-تیم فعلی «علی قلی‌زاده» در بلژیک

عمودی:

عمودی:
۱-از نقاط استثنایی و فوق العاده جالب استان «گیلان»-مرحله تکامل رشد
۲-قاره سبز-بیسکویت ترد-خواب کودکانه
۳-پول خودمان-شیرینی بین المللی-محرم اسرار
۴-ایستگاه پیک‌ها-پرس مارک زنی-عضو تنفسی-شرکت اتومبیل سازی «کره جنوبی»
۵-خداشناس-تنیدن-بدن
۶-عدد قهرمان-آفرین-شهری در استان «البرز»
۷-مخفف بلکه-با کسی در مورد امری گفت‌وگو کردن-آماده و فراهم
۸-بحث داغ مسابقات ورزشی-بارنده سفید-کلانشهر پرجمعیت
۹-شکر متبلور-نام خانوادگی-بعضی از برتشخیص ندهند
۱۰-کشور «کیگالی»-اتوبوس «انگلیسی»-غذای نذری
۱۱-صدمه-مزه خوشایند-بی‌باک
۱۲-بازی تخته-چه وقت؟-فصل اول سال-همدم
۱۳-میوه گوشواره‌ای-داخل-نماد
۱۴-سلک-شجاع-شعر کوتاه ژاپنی
۱۵-عضو ورودی غذا-اثری تاریخی در «نائین»

جدول ویـژه

افقی:

۱-هاچ‌بک مدرن-اثر «آلبرتو مراویا»
۲-نام زنانه-عضو حرکت ماهی-جمع تابع
۳-آکنده-سیاستمدار-یکی از دو فرشته شب اول قبر
۴-عمیق-رازیانه-ضد «فروش»-آزرده
۵-ساز پرسوز-شهر «چشمه حیدر»-پهلوانی در شاهنامه
۶-تاج-واگیردار-حرف تنفر
۷-پرنده‌ای کوچک-کمک و مدد-کشور دو تکه
۸-داستانی به قلم «والتر اسکات»
۹-سهولت-زیبایی و محبوبیت-همدم
۱۰-منقار-یار «بهمان»-وسیله‌ای که با آن گیاهان را آبیاری می‌کنند
۱۱-قوی‌ترین تاندون پا-جلاد-میوه خوب!
۱۲-حیا-شاه خوارزمشاهی-مخفف شاد-جواب «های»
۱۳-فیلسوف بریتانیایی-شب اول زمستان-درجات
۱۴-اسباب-اندیشمند-نام «امامی» بازیگر خانم
۱۵-سنتی فلسفی-رود «ممسنی»

عمودی:

۱-از جوایز ادبی روسیه-آغاز
۲-شبه جزیره‌ای در اروپا-پلی در «سوادکوه»-رسم کننده
۳-پنبه‌زن-ترکیب جای گرفتن اثاثیه‌ها-سال جاری
۴-تلفظ «د»-نیرنگ باز-کاکل-مسابقات سراسری دوره‌ای
۵-قسمتی از وقت-دوستداران-قوم غیور
۶-کاغذ روزنامه-پارچه زربفت-سر به زیر و کم‌رو
۷-برگ برنده-ریحان-خویش انداز
۸-زن عزیز مصر-بخشی از سوره-مخفیانه خودمانی
۹-مقابل «لیل»-سرهم یا وصل کردن قطعات صنعتی-آب در لغت محلی
۱۰-نمادی از زایش در سفره نوروزی-حصه-تاقچه بالا
۱۱-گوشت آذری-قدیمی-پیغام، خبر
۱۲-اصطلاحی در عکاسی-آبگیر-کبوتر صحرایی-ساز ضربی
۱۳-طرد کردن-تفحص-هواشناس و فیزیکدان «انگلیسی»
۱۴-دوربین اینترنتی-گازی بی‌رنگ و بی‌بو-حصیر
۱۵-مرد لاغر-کتاب «مولی وانگ» (۲۰۲۰)

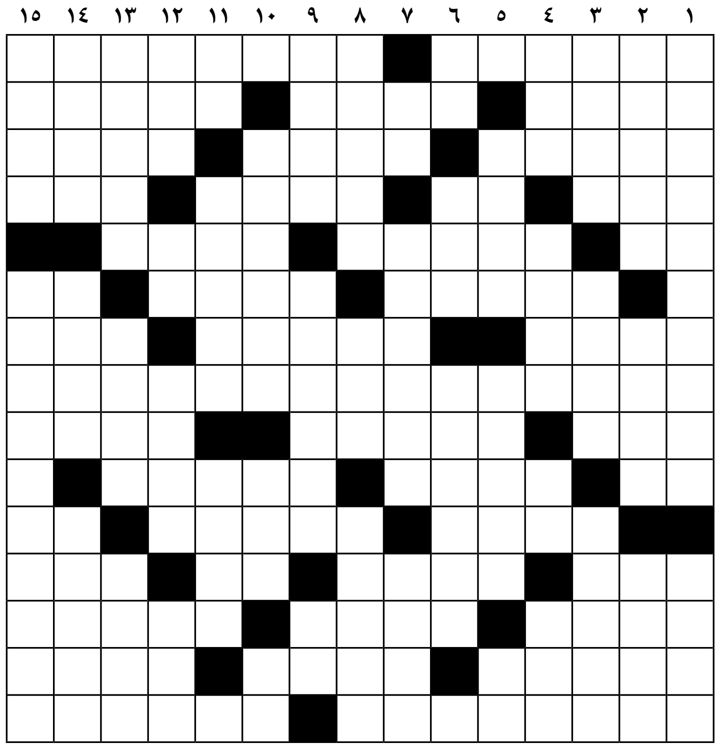

حل جدول عادی شماره ۷۴۷۹

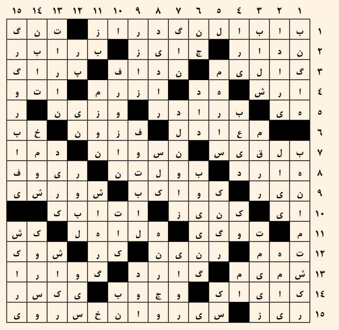

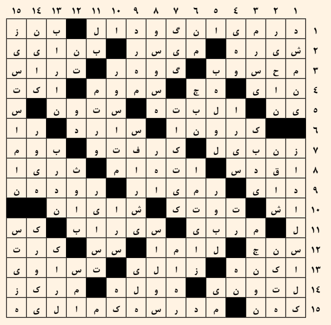حل جدول ویژه شماره ۷۴۷۹